

تبیین مدل آموزش معماری مبتنی بر جایگاه انسان

حسن ترابی^۱، راضیه لیبب زاده^{۲*}، حسین ذبیحی^۳

۱- نویسنده‌ی اول، پژوهشگر دوره دکتری تخصصی، دانشکده‌ی عمران، معماری و هنر، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

architect.torabi@gmail.com

۲- نویسنده‌ی دوم و مسئول، استادیار و عضو رسمی هیئت‌علمی دانشکده‌ی عمران، معماری و هنر، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

r.l.abi.bzadeh@gmail.com

نویسنده‌ی سوم، دانشیار و عضو رسمی هیئت‌علمی دانشکده‌ی عمران، معماری و هنر، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

hossein.zabihi@otmail.com

چکیده

تهی بودن معماری امروز از معرفت و حکمت، فضای معماری را تبدیل به عرصه‌ی آزمون و خطای روش‌های گوناگون در این وادی کرده است.

با بررسی مؤلفه انسان، اصول و بینش عمیق استادان معمار که حین حل مسائل حاکم بر اجرای بنا و ایجاد رابطه بین بنای جدید و بافت محیط و ترسیم روابط صحیح انسانی کسب می‌کردند و انتقال سینه‌به‌سینه، دقیق و جزء‌به‌جزء آن به شاگردان خویش و آوردن مصادیق جدید برای مفاهیم قدیم و هنجارهای پایدار امید است که بتوان خلأ عمیق جایگاه مؤثر انسان در آموزش سنتی معماری در آموزش معماری معاصر را بر طرف کرد.

متفاوت و بعضاً متضاد بودن فضای حاکم بر مدارس معماری با برآیند و نتیجه کار دانش‌آموختگان آن در میدان عمل و فضاهای شهری نشان از خلأ عناصری بنیادی در حین و قبل از شروع آموزش در مدارس معماری دارد. در حالیکه در سالیان گذشته که ما از آن به عنوان معماری سنتی یا آموزش سنتی معماری یاد می‌کنیم، فضای حاکم بر روابط استاد معمار و شاگرد عیناً همان چیزی بود که بر قامت بناهای رفیع شهر نمود پیدا می‌کرد.

واژه‌های کلیدی: جایگاه انسان، آموزش معماری دوران معاصر، آموزش سنتی معماری، حکمت و دانش، مهارت

۱- مقدمه

آموزش معماری یکی از موضوعات کلیدی و مهم در ترسیم آینده معماری، پیشرفت و شکوفایی به شمار می‌آید. معماری گذشته ایران که همواره با تأکید بر ارزش‌های پایدار از جایگاهی ویژه برخوردار بوده، در دوره کنونی با پیدایش لغات دوگانه‌ی سنت و مدرنیته، از میان نگاه حسرت‌انگیز به گذشته تا شیفتگی الگوهای غربی، دچار نوعی ابهام و سردرگمی شده است (خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸).

معماری گذشته ایران سرشار از معنویت و زیبایی است. در حالی که معماری معاصر ما با از دست دادن هویت خویش فاقد ارزش‌های پنهان در معماری گذشته است. چه عواملی موجب به وجود آمدن این تفاوت فاحش است و در میان آن‌ها نقش آموزش در شکل‌گیری شخصیت معمار به عنوان شکل‌دهنده اصلی فضاهای معماری و شهری به چه میزان است؟ (طاقی، ۱۳۷۴)

تغییر و تحولات جهانی به سمت‌وسویی پیش می‌رود که افراد را به یادگیری دانش و مهارت‌های خاصی برای برخورد با چالش‌های فرارو نیازمند می‌کند و این مستلزم آن است که به یادگیری افراد توجه شود؛ زیرا اعتقاد بر این است که اغلب پیشرفت‌های امروز زاینده دانش و مهارت است و کسب دانش و مهارت هم به یادگیری نیاز دارد. از همین رو، آموزش و پرورش باید به سمت اثربخش‌تر کردن آموزش پیش برود و باعث یادگیری بیشتر افراد شود (زرآفشانی و همکاران، ۱۴۰۰).

بررسی سیر تاریخی دوران آموزش معماری و میراث‌های باقی‌مانده از آن‌ها، وجوه اشتراک و تفاوت‌هایی را با دوره آموزش فعلی بیان می‌دارد. تا قبل از شروع آموزش دانشگاهی رشته معماری، آموزش با روش استاد و شاگردی صورت می‌گرفت. در این زمینه، استادان

مسلمان و فلاسفه از جمله اخوان الصفا، خواجه نصیرالدین طوسی، سعدی، شهید ثانی و... در بحث‌های نظری و کاربردهای عملی تعلیم و تربیت، با استفاده از منابع غنی و پایان‌ناپذیر وحی و میراث گران‌قدر انبیای الهی و ائمه اطهار(ع)، آثار گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. آموزش معماری منبعث از روش تربیتی اسلام که در قرآن و حدیث بیان شده، تلاش می‌کند با آگاه کردن افراد از خود و جهان اطراف، به تربیت همه‌جانبه شخصیت آنان بپردازد؛ تلاشی در ایجاد وضعیتی مناسب که زمینه را برای بروز و ظهور استعدادها و فطری آدمی فراهم و او را کمال‌یافته‌تر می‌کند (رفیعی، ۱۳۹۲، ۱۴۰).

این روش با شروع آموزش نوین دانشگاهی، اندک‌اندک به فراموشی سپرده شد و هم‌اکنون فقط در برخی از فنون ساختمانی همانند بنایی و... هنوز ادامه دارد. آموزش رشته معماری به صورت کنونی و دانشگاهی، عمدتاً توسط دانش‌آموختگان غرب و تعدادی از معماران و اساتید خارجی در ایران شکل گرفت. اگرچه آموزش عالی به شدت غربی در ایران هم‌زمان با تأسیس دارالفنون در اواسط قرن نوزدهم (۱۲۲۹ش) شروع شد، آموزش دانشگاهی معماری در ایران با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۹ش آغاز شد. این مدرسه را می‌توان اولین الگوی دانشکده معماری در ایران نامید که بر اساس الگوی فرانسوی مدرسه بوزار شکل گرفته بود (مهدوی‌پور قائم‌مقامی ۱۳۹۱، ۲۶).

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و جایگزینی نظام جمهوری اسلامی، تقریباً به‌ظاهر، همه جنبه‌های جامعه دستخوش تغییر شد و با تعطیلی دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی و فعالیت جریان‌های سیاسی و اجتماعی، رابطه آموزش عالی و مردم تغییر کرد. مسئولان به‌منظور هماهنگی برنامه آموزش عالی رشته معماری با نیازهای جامعه، سعی کردند نظام آموزش رشته معماری را تغییر دهند؛ در نتیجه، این تغییر در دو سطح نمود یافت: ۱. تغییر سرفصل و برنامه درسی رشته معماری، ۲. تغییر در گزینش دانشجو (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۶).

شناخت مؤلفه‌های مجهول

• انسان

انسان به همان اندازه که متوجه جهان خارج از خویش شده و در آن پیش رفته است، از خود دور شده و حقیقت خویش را از یاد برده است (شریعتی، ۱۳۷۸، ۳۵). بیان این موضوع به جهت شناخت انسان و نیازهایی می‌باشد که در گرو پرداختن به ذات وی می‌باشد. از این رو می‌باشد که شهید مطهری در کتاب فطرت خود بیان می‌دارد که در میان مباحث شناخت موجودات جهان و فلسفه، هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند به تفسیر نیست (مطهری، ۱۳۵۶، ۱۳). ابعاد وجودی انسان تنها به ابعاد درونی وی خلاصه نمی‌شود و ابعاد اجتماعی و محیطی متأثر و مؤثر را نیز شامل می‌شوند. انسان علاوه بر لایه‌های درونی خود، از نظر فرهنگی نیز دارای دو خود اجتماعی و فردی می‌باشد. به عبارتی انسان دو سطح متفاوت از خویشتن دارد که لایه سطحی با فضای خارجی مشابه می‌شود و لایه عمیق‌تر در حالت تداوم واقعی هستی است (شواریس، ۲۶، ۱۳۸۲).

• عدم تعیین معیار در معماری دوران معاصر

در آموزش معماری دوران معاصر مشخص نیست که تا چه حد می‌توان به دانشجو و خلاقیت‌های شخصی وی اعتماد کرد و کدام بخش از طراحی را می‌توان بر عهده‌ی او و توانایی‌هایش گذاشت و در کدام بخش می‌توان از قاعده‌ای ثابت سخن گفت. «امروز آموزش معماری در حالتی از تعلیق به سر می‌برد. آموزش واگرا که هر از گاهی به‌طوری از اطوار معماری (پست‌مدرن، دیکانستراکشن، فولدینگ و ...) دل می‌بندد، به علت فراوانی تعداد و کم شدن عمر سبک‌ها به آموزشی» در به در «تبدیل شده که هیچ نقطه اتکایی ندارد» (حجت، ۱۴، ۱۳۸۹).

• عدم باز تعریف مؤلفه‌های مطلوب گذشته

در روزهایی که سخن از نگاه نو و قبول معماری معاصر غرب و تجدد و نوآفرینی در معماری می‌شنویم و در هنگامه‌ای که ساز دوری از معماری گذشته را کوک می‌کنیم؛ استفاده عین به عین و بدون تغییر از اشکال، مدول و مؤلفه‌های پیشینیان را در سطح کلان و در بین کارهای ساخته‌شده در شهرها شاهد هستیم.

دغدغه مخالفان این تقلید یک‌به‌یک و گزته برداری عین به عین را می‌توان چپستی امر ثابت معماری دانست که این چنین بیان شده است: " آنچه می‌توان و باید به آن پرداخت، نه معماری سنتی که سنن معماری است؛ سنت‌هایی که در نتیجه پیشرفت تکنولوژی و علم و

تغییر اهداف کمتر تغییر می‌کنند. بیشتر جهانی‌اند و تحت تأثیر آب‌وهوا و اقلیم و فرهنگ‌های خاص نموده‌ای خاصی می‌یابند" (شریعت زاده، ۱۳۷۴، ۶۶).

• نفی گذشته و مؤلفه‌های مطلوب

در نقطه مقابل بینشی که خروج جامعه از وضعیت سنتی را باور ندارد و خواستار تداوم شیوه‌ها و رفتارها و مطلق‌نگری جامعه سنتی است؛ طیفی در میان مدارس معماری مدرن و جامعه حرفه‌ای وجود دارند که کمرنگ شدن شرایط گذشته، آداب و سنن پیشینیان را به منزله تهی شدن ظرف فرهنگ و تاریخ و هنر ایرانی دانسته و چشم و گوش بسته؛ رو به سوی تقلید نکته به نکته و عین به عین و لحظه به لحظه از فرهنگ، هنر و معماری غرب آورده‌اند.

همین امر سبب ارائه هنر و معماری‌ای می‌شود که از طرف جامعه پذیرفته نمی‌شود و در مجامع و محافل حرفه‌ای نیز مورد نقد و بحث قرار می‌گیرد. برخی از معماران تحول خواه به مدد وسایل ارتباطی نوین شروع به تجربه دوباره گرایش‌ها و سبک‌های گذشته یا امروز غرب کرده‌اند و سیمای آشفته شهر را می‌توان نتیجه این خودخواهی و کوتاه بینی ایشان دانست (سالینگروس، ۱۳۸۷، ۳۷۰).

• افتادن به ورطه تکرار

در این باره دوکسیادس " همانندی راه‌حل‌های معماری برای نقاط مختلف دنیا در دهه‌های نخستین عصر جدید را تحت تأثیر این قبیل عوامل بیان می‌دارد؛ وجود محصولات سنتی یا وسایل حمل‌ونقل یکسان برای سراسر دنیا، ایجاد سیستم‌های تهویه مطبوع مکانیکی، استفاده از مصالح ساخت و حتی دکوراسیون و تزئینات یکسان در تولیدی جهانی، آموزش دیدن معماران در دانشکده‌های کشورهای خاص و سپس پراکنده شدن ایشان در نقاط مختلف دنیا " (دوکسیادوس، ۲۷-۲۵) و می‌بینیم که این دلایل همچنان هم جاری است.

۲- پیشینه تحقیق

این بخش از مقاله به منزله مرور مجموعه اطلاعاتی که به اشکال مختلف در خصوص یک موضوع ثبت شده و با مسائل خاص پژوهش در این راستا ارتباطی مفهومی برقرار می‌سازند، به تبیین دقیق موضوع و تعیین محدوده اصلی آن به پشتوانه نسل‌های پژوهشی گذشته کمک فراوانی می‌کند. در مواضعی نظیر موضوع پژوهش حاضر که تلقیاتی مختلفی بر تحولات آن تأثیر داشته و اکنون در مواجهه با بسیاری از نظرات در این خصوص اجتناب‌ناپذیر است، آگاهی از ادبیات موضوع و جمع‌بندی آن از تمامی نقطه نظرات سبب خواهد شد، تا پژوهشگران پیش از هر اقدام پژوهشی، ابتدا مختصات موضوعی خود را نسبت به پیشینه موضوع مشخص نموده و سپس در جهت بسط آن گام بردارند.

چنانچه عیسی حجت در کتاب مشق معماری اشاره می‌کند به این نکته که " آموزش معماری چون خود معماری تابعی است از شرایط زمان و مکان و متأثر از باورها و هنجارهای اجتماعی و جهان بینی انسان‌ها " (حجت، ۱۳۸۹).

در کتاب سنت و بدعت در معماری به قلم ایشان پس از بررسی بنیان‌های آموزش سنتی و جدید معماری آمده است که: " آموزش معماری در جامعه امروز که ساختار سنتی خویش را وانهاده ولی به ارزش‌های پایدار خویش وفادار مانده است باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را در خود داشته باشد " (حجت، ۱۳۹۱).

در مقاله " سازوکار داوری و سنجش طراحی در آموزش معماری، پیشنهاد مدلی برای ارزیابی فرآیند و ارزشیابی طرح در تعامل استاد و دانشجو " در راستای بحث آموزش معماری به اهمیت قضاوت و داوری در پروژه‌ها اشاره دارد و می‌نویسد: " در آموزش بهتر است که دانشجویان در قضاوت طرح‌های خویش دخیل باشند و این امر می‌تواند به عنوان آخرین حلقه از فرآیند آموزش معماری محسوب شود " (سامه، ایزدی، ۱۳۹۳).

یوسف گرگی مهبلانی در مقاله آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده پس از بررسی و مطالعه در باب نگرانی‌های معماری امروز و بررسی برنامه‌های درسی نتیجه‌گیری می‌کند که: " بی‌برنامگی، عدم انسجام رویکردها و فراموشی ارزش‌ها به عنوان مهم‌ترین علل عدم دستیابی به معماری مناسب در آینده در مدارس معماری ایران قلمداد می‌شود. " (گرگی مهبلانی، ۱۳۸۸).

در مقاله آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها عیسی حجت اعتقاد دارد که صرف فارغ‌التحصیل شدن از سیستم آموزش عالی صرفاً تربیت کارشناس و کارشناس معماری تحویل جامعه دادن است و این کارشناس برای معمار شدن نیازمند طی مرحله و منزلی دیگر است که آن را حکمت می‌خواند و این‌طور می‌نویسد: " هم چنانکه در فرهنگ ما، هر فریه زورمندی پهلوان نیست و پهلوان کسی را گویند که زورمند

است و معرفت به کارگیری زور خویش را نیز دارد، هر آن کس که مهارت در طراحی و آشنایی با دانش‌های معماری داشته باشد، "معمار" نیست، بلکه معمار آن است که بینش به کارگیری توانش و دانش خویش را داشته باشد ("حجت، ۱۳۸۲).

در مقاله " (دست‌ساخته‌ها - تجربه شخصی) یادگیری از راه ساختن در آموزش معماری" با ارائه یک نمونه از تمرینات دست‌ساخته‌های دانشجویان تأکید شده است که: " این تحقیق با تکیه بر تجربه‌ای عملی مبنی بر مبانی نظری بحث آموزش نیز مؤید آن است که وجود تمریناتی از این قبیل که در آن دانشجو از راه ساختن به پاسخ مسئله‌ای که در پیش رو دارد نائل می‌شود را در آموزش معماری ضروری می‌داند" (فرضیان، کرباسی، ۱۳۹۳).

در مقاله روش استاد و شاگردی؛ از نگاهی دیگر به قلم حمید ندیمی ایشان آورده است که: " اگر اصلی‌ترین ارکان آموزش را استاد، شاگرد و موضوع آموزش بدانیم. بر اساس نظریه تعادل می‌توان به جذبه عاطفی نسبت به موضوع که در بیان هسکل موجب قوت انتقال یادگیری است، جذبه عاطفی شاگرد و استاد را نیز افزود. علاقه شاگرد به شخصیت استاد می‌تواند به پیوند عاطفی با موضوع و ارتقا انتقال یادگیری منجر گردد (ندیمی، ۱۳۸۹).

آنچه این مقاله در حاشیه کارهای ارزشمند یادشده دنبال می‌کند طرح این موضوع در بین دانشجویان و اساتید مدارس معماری است که چگونه و تا چه حد می‌توان مسیر پیش روی دانشجویان را تبیین کرد، تا با شناسایی توانایی‌های فردی ایشان و دانسته‌های فراوان اساتید و کنار هم قراردادن این مؤلفه‌ها طی طریق برای پویندگان آن مسیر میسر گردد.

در مقاله " تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار برون دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه" گورا و همکاران هدف شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش، بر معماری معاصر از منظر اساتید معماری است. مقاله به دنبال وضوح بخشیدن، آشکار کردن و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل مورد نظر اساتید معماری است (گورا و همکاران، ۱۴۰۱).

در مقاله " آموزش معماری در ایران و مشکلات پیش روی آن" طیب زاده به این مطلب اشاره دارد که مشکلات آموزش معماری در ایران مربوط به یک حوزه یا یک مسئول خاص نمی‌شود و برای رفع مشکلات آموزش معماری باید همه برنامه ریزان، نظام‌مهندسی، اساتید و دانشجویان اقدام کنند (طیب زاده، ۱۴۰۰).

مقاله "بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران" در پی آن است که با بررسی و تبیین رابطه میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، به ارائه الگویی از آموزش معماری در راستای حل بحران و تقویت هویت معماری ایرانی همت گمارد (زرافشانی و همکاران، ۱۴۰۰).

مقاله " مطالعه تطبیقی سه نسل آموزش دانشگاهی معماری از سه منظر روند، دانش و اندیشه طراحی" نوشته کیان ارثی و همکاران در حوزه پرورش تفکر طراحی دانشجویان است. چگونگی سرمایه‌گذاری و توجهات شیوه‌های آموزشی بر پرورش تفکر طراحی، برای کنشگران حوزه آموزش از جمله، پژوهشگران، برنامه ریزان و مدرسین، راهگشا است.

نقد پیشی در مقاله " مدلسازی آموزش معماری با محوریت مطالعات محیط-رفتار" بیان می‌دارد که روش آموزش مبتنی بر یک روش جامع برای یادگیری دانشجویان است که مسیر آن را فرآیند طراحی محیط- رفتار تعیین می‌نماید (نقد پیشی، ۱۳۹۷).

فیضی و دژپسند در مقاله "واکاوی سبک‌های یادگیری دانشجویان برای ارتقای آموزش معماری (مطالعه موردی: دانشجویان معماری دانشگاه ارومیه) بیان می‌دارند که سبک‌های یادگیری غالب کاربردی در دانشجویان معماری، به ترتیب جذب‌کننده و همگرا هستند. همچنین دانشجویان در نیمه ابتدایی تحصیل در رشته معماری بیشتر از سبک جذب‌کننده و در نیمه انتهایی از سبک همگرا استفاده می‌کنند و ارتباط معنی‌داری بین سبک یادگیری و جنسیت وجود ندارد (فیضی و دژپسند، ۱۳۹۷).

هدف از مقاله " تأملی در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی" نوشته سیفی و همکاران پرداختن به رابطه میان استاد و شاگرد یا همان مراد و مرید است که نمایانگر جهان‌بینی هنرمندان در گذشته است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶).

مهدی نژاد و همکاران در مقاله "تحول در آموزش معماری در تعامل دوسویه با تاریخ و فناوری" اشاره به این موضوع دارند که همچنین برای همگام کردن مسائل آموزش معماری با این روند تلاش می‌گردد در ایران نیز این روند آموزش تعاملی مورد توجه قرار گیرد و سیستم آموزشی معماری با معیارهای آموزشی نوین سازگار شود (مهدوی نژاد، ۱۳۹۲).

طاقی در مقاله " نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر" ضمن توجه به تفاوت بستر و زمینه کار معماری معاصر با معماری سنتی و دشواری‌هایی که معماری معاصر با آن روبرو است، به تحولات آموزش معماری از شیوه سنتی به آموزش نوین و پی آمدهای مهم آن اشاره می‌کند (طاقی ۱۳۷۴).

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی - توسعه‌ای بوده و بر پایه شیوه تحقیق ترکیبی (توصیفی، تحلیلی) و در نهایت استدلال منطقی انجام می‌گیرد. این پژوهش از روش‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای شکل گرفته است.

۴- جمع‌بندی

۱- آموزش سنتی: حکمت و مهارت

آموزش معماری در ایران تا قبل از دوران تجدد و پیدایش مدارس معاصر، آموزشی متعین بر پایه اصالت سنت و استوار بر دو مؤلفه مهارت و حکمت بوده و حکمت‌ها و مهارت‌ها در گرماگرم ساختن بنا از عمل استاد در نظر شاگرد نقش می‌بست. این شیوه مختص جامعه‌ای بسته، با هنجارها و ارزش‌های پایدار و فنون و مصالح معین، و مشروط به وجود استادانی جامع‌الشرایط و شاگردانی مطیع و متعبد بود. این روش آموزش، امروز در برابر گشایش مرزهای اطلاعاتی و مواجهه با فرهنگ‌ها، فلسفه‌ها و اندیشه‌های دیگر، توسعه و تنوع فنون ساخت و مصالح، دگرگونی شرایط زیستی، محیطی و معیشتی و نیز تغییر و تقلیل نقش معمار در فرآیند و وجود شاگردانی سرکش و نامتعبد، کارایی خود را از کف داده است.

۲- آموزش معاصر: مهارت و دانش

آموزش معماری در مدارس معاصر ایران به تقلید از غرب، آموزشی نامتعین، بر پایه اصالت بدعت و استوار بر دو مؤلفه مهارت و دانش است. این مهارت‌ها و دانش‌ها در عرصه‌هایی مجزا و به شیوه‌هایی گوناگون و توسط استادانی با تخصص‌های متفاوت، به شاگردانی با علایق و بن‌مایه فکری ناهمسان عرضه می‌شود. این شیوه بر حسب آنکه خصلتی جهانی و بی‌تفاوت نسبت به فرهنگ و ویژگی‌های سرزمینی، بومی و فطری مردم دارد، ضمن تجهیز شاگرد به علوم و فنون روزآمد و جدید، به تدریج او را از ارزش‌ها و هویت آیینی و سرزمینی خویش تهی و دور می‌کند. تجربه هفت دهه آموزش معماری با روش معاصر در ایران، حکایت از این گسست فرهنگی بین معمار و جامعه دارد.

۳- آموزش مطلوب: مهارت، دانش، حکمت

آموزش معماری در جامعه امروز ما که ساختار سنتی خویش را وانهاده، ولی به باورها و ارزش‌های پایدار خویش وفادار مانده است باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را در خود داشته باشد تا معمار تربیت‌شده در این فرآیند با داشتن مهارت‌ها و تجهیز به دانش‌های لازم و آشنایی با تجربیات سرزمینی و جهانی بتواند اثری مبتنی بر حکمت و معرفت بیافریند که در راستای هنجارها و ارزش‌های والای جامعه بوده و گسست موجود بین معماری و ارزش‌های اصیل فرهنگی این مرزوبوم را به پیوندی دوباره بدل کند.



نمودار ۱: آموزش مطلوب: مهارت، دانش، حکمت

شکل ۱

هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند به تفسیر نیست. بیان این موضوع به جهت شناخت انسان و نیازهایی بوده که در گرو پرداختن به ذات وی می باشد. ابعاد وجودی انسان تنها به ابعاد درونی وی خلاصه نمی شود و ابعاد اجتماعی و محیطی مؤثر و متأثر را نیز شامل می شوند. انسان علاوه بر لایه های درونی خود از نظر فرهنگی نیز دارای دو خود فردی و اجتماعی می باشد. به عبارتی انسان دو سطح متفاوت از خویشتن دارد که لایه سطحی با فضای خارجی متشابه می شود و لایه عمیق تر در حالت تداوم واقعی هستی است. هدف از خلقت انسان، سعادت اوست، بنابراین ارتقای جایگاه انسان در جامعه می تواند بستر سعادت آدمی را فراهم نماید. به موضوع انسان در علوم مختلف به طور عموم بسیار پرداخته شده است. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده، شناخت و ویژگی های انسان از نظر روحیات، اخلاق، نیازهای ذاتی، نیازهای فردی و نیازهای در مواجهه و تعامل با دیگران در جامعه و نحوه پاسخگویی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن ها بر معماری و ماقبل از آن بر آموزش معماری می باشد.

استاد یکی از ارکان حیاتی آموزش سنتی هنرها بوده است که جایگاه وی غالباً تا منزلت پدر و مرشد بالا می رفت آنچه در مورد نظام استاد و شاگردی بسیار دارای اهمیت است این است که این نظام آموزشی بیش از آن که تدریسی باشد تعلیمی است؛ نیاز به شناسایی و استخراج مؤلفه های چنین نظام آموزشی بالنده ای کاملاً ضروری می نماید تا با الهام از آن بتوان راه حل هایی جهت احیاء ارزش های فراموش شده هنرها یافت.

۱. منابع و مؤخذ

- آیتی، محسن، و صدیقه خوش‌دامن. ۱۳۹۱. فرهنگ، برنامه درسی و سبک‌های تدریس و یادگیری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران ۷ (۲۶): ۱۷۲-۱۴۹.
- امین‌خندقی، مسعود، و ملیحه رجایی. ۱۳۹۲. تأثیر سبک یادگیری دانشجویان بر سبک تدریس مرجح آنان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی ۹ (۲۸): ۳۹-۱۵.
- اعرافی، علیرضا، محمد بهشتی، مهدی ابو جعفری، علی نقی فقیهی، ۱۳۸۸، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- تیلور، آلفردادوارد، ۱۳۹۳، ارسطو، حسن فتحی، حکمت
- حجت، عیسی، ۱۳۸۲، آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها، نشریه هنرهای زیبا شماره ۴۱، صفحات ۶۳ تا ۷۰
- حجت، عیسی، ۱۳۸۹، مشق معماری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حجت، عیسی، ۱۳۹۱، سنت و بدعت در آموزش معماری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- خرمشاد، محمداقبر و آدمی، علی (۱۳۸۸) انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، (۱۱۶۱-۱۸۸)
- دوکسیادس، کنستانتین ا، (بدون تاریخ)، معماری مرحله تحول، ترجمه محمود رازجویان، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران
- زرافشانی، محمد علی، طهماسبی، ارسلان، بایزیدی، قادر، ۱۴۰۰، "بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران" فصلنامه علمی هنر اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۴۲
- رفیعی، بهروز. ۱۳۹۲. مریمان بزرگ مسلمان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سامه، رضا، ایزدی، عباسعلی، ۱۳۹۳ "سازوکار داوری و سنجش طراحی در آموزش معماری، پیشنهاد مدلی برای ارزیابی فرآیند و ارزشیابی طرح در تعامل استاد و دانشجو"، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، صفحات ۱-۱۳
- سالیانگروس، نیکوس ای، ۱۳۸۷، یک نظریه معماری، ترجمه سعید زرین مهر و زهیر متکی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران
- سیفی، ندا، بلخاری قهی، حسن، محمد زاده، مهدی، ۱۳۹۶، "تأملی در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی"، فصلنامه علمی و پژوهشی نگره، شماره ۴۲
- سیف، علی اکبر، ۱۳۸۶، روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش، انتشارات آگاه
- شریعت زاده، یوسف، ۱۳۷۴، اعتدال میان سنت و نوآوری، آبادی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۷۴، صص ۶۴-۶۷
- شریعتی، علی، ۱۳۷۸، هنر، انتشارات چاپخش، تهران
- شوارتس، سنفورد. آر، ۱۳۸۲، آنری برگسون، ترجمه ی خشایار دیهیمی، انتشارات ماهی، تهران
- صدرام، وحید، ندیمی، حمید، ۱۳۸۹، "نقش دست نگاری استاد در آموزش طراحی" مجله علمی پژوهشی صفا، شماره ۶۸
- طیب زاده، کیمیا سادات، پروا، محمد، ۱۴۰۰، "آموزش معماری در ایران و مشکلات پیش روی آن"، مجله معماری شناسی، سال سوم، شماره ۱۷
- طاقی، زهرا، نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی جلد چهارم، تهران. سازمان میراث فرهنگی.

- فرزبان، محمد، کرباسی، عاطفه، ۱۳۹۳، (دست‌ساخته‌ها - تجربه شخصی) یادگیری از راه ساختن در آموزش معماری، نشریه علمی پژوهشی هنر های زیبا، دوره ۱۹، شماره ۳، صفحه ۸۷-۹۶
- فیضی، محسن، دژپسند، ساحل، ۱۳۹۷ "واکاوی سبک‌های یادگیری دانشجویان برای ارتقای آموزش معماری (مطالعه موردی: دانشجویان معماری دانشگاه ارومیه)، نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۳
- کرباسی، عاطفه، ۱۳۹۱، معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر، نشریه هنرهای زیبا ۱۷، صص ۶۱-۷۰
- کیان‌ارثی، منصوره، مظفر، فرهنگ، خسروی، وحید، ۱۳۹۸، " مطالعه تطبیقی سه نسل آموزش دانشگاهی معماری از سه منظر روند، دانش و اندیشه طراحی " نشریه هویت شهر، شماره سی و هفتم، سال سیزدهم
- گرجی مهلبانی، یوسف، ۱۳۸۸، آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده، نشریه: فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، سال ۱۳۸۹، دوره ۴، شماره ۳، صفحات ۲۲۳-۲۳۴
- گورا، شیرین، فروتن، منوچهر، دژدار، امید، ۱۴۰۱، " تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار برون دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه "، نشریه علمی باغ نظر، شماره ۱۹
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۶، انتشارات صدرا، تهران
- ملکشاهی، حسن، ۱۳۷۵، ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، انتشارات صدا و سیما (سروش)، تهران
- مهدوی نژاد، محمد جواد، باری، فهیمه، پرویزی، قامت و دهقانی، ۱۳۹۲ "تحول در آموزش معماری در تعامل دوسویه با تاریخ و فناوری" مجله معماری و شهرسازی ایران، سال اول، شماره دوم
- مهدوی‌پور قائم‌مقامی، حسین. ۱۳۹۱. «سرمشق» الگویی جهت استفاده از آثار معماری در آموزش طراحی معماری. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدبیشی، ۱۳۹۷، مقاله "مدلسازی آموزش معماری با محوریت مطالعات محیط-رفتار" نشریه گروه معماری دانشگاه زنجان، شماره ۱، سال اول
- ندیمی، حمید، ۱۳۸۹، روش استاد و شاگردی؛ از نگاهی دیگر، فصلنامه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴۴، صفحات ۲۷ - ۳۶
- ندیمی، هادی، ۱۳۷۵، "آیین جوانمردان و طریقت معماران - سیری در فتوت نامه های معماران و بنایان و حرف وابسته"، صص ۲۱-۲۲
- نوربرگ - شولتز، کریستین ۱۳۸۷، الف، معماری: حضور، زبان و مکان، چاپ دوم، ترجمه علیرضا سید احمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران
- نیک‌کار، محمد، عیسی حجت، و عباسعلی ایزدی. ۱۳۹۲. بررسی سازه هدف و کاربست آن در ایجاد انگیزش در نوآموز معماری. دو فصلنامه مطالعات معماری ایران ۲ (۳): ۸۵-۱۰۶.
- Norberg - schuz ۱۹۸۰, Chri sti an, geni us l oci ,t o words a phenomēnol ogy of archi tect ure,Ri zzol i ,NeW York